

عوامل مؤثر بر تکوین نگرش ایمانی در قرآن کریم با رویکرد روان‌شناسی اجتماعی

مهدی ایزدی *

سید سجاد طباطبائی نژاد **

سیدمحمدرضا رضازاده ***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۰۸

تاریخ تایید: ۱۳۹۴/۱۱/۱۶

چکیده:

«ایمان» و «نگرش» به ترتیب از محوری‌ترین مفاهیم در آموزه‌های دینی و روان‌شناسی اجتماعی می‌باشند. برابندی نزدیکی میان حوزه موضوعی نگرش در روان‌شناسی اجتماعی، تعلیم و تربیت کاربردی و مباحث قرآنی در حوزه ایمان، اصطلاح «نگرش ایمانی» را ساخت می‌دهد. نگرشی که با رویکردی قرآنی و مبتنی بر الگوهای تکوین نگرش‌های افراد در روان‌شناسی، نسبت به متعلقات ایمان شکل گرفته است. مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیلی و پایبندی به لوازم یک مطالعه میان‌رشته‌ای و تفسیر علمی از قرآن کریم، مبتنی بر یکی از الگوهای پرکاربرد روان‌شناسی اجتماعی «الگوی احتمال تفسیر» برای تکوین و تغییر نگرش‌های افراد، که قبول عام در میان روان‌شناسان یافته است، از رهگذر مسیر اصلی معرفی شده از سوی این الگو، به استخراج عوامل مؤثر بر تکوین نگرش ایمانی مخاطبان قرآن می‌پردازد و از داده‌های این الگو جهت فهم دقیق‌تر آیات هدایتی قرآن به سوی ایمان بهره می‌جوید. بر اساس یافته‌های این پژوهش، قرآن عواملی چون «ارائه برهان و استدلال»، «معرفت شناسی آیه‌ای»، «معجزات انبیاء»، «ایجاد نگاه معرفتی صحیح نسبت به متعلقات ایمان»، «تذکر و یادکرد از مبدأ و معاد» و «توجیه شناختی نسبت به آثار ایمان‌گروی» را از جمله عوامل مؤثر در تکوین نگرش ایمانی مخاطبان از طریق مسیر اصلی در این رهیافت معرفی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: ایمان، روان‌شناسی اجتماعی، نگرش، نگرش ایمانی.

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق علیه السلام dr.mahdi.izadi@gmail.com

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول) hosein123@gmail.com

*** استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران rezazade@ut.ac.ir

مقدمه

« روان‌شناسی اجتماعی»^۱ به علم مطالعه رفتار متقابل بین انسان‌ها یا علم مطالعه تعامل انسان‌ها (کریمی، ۱۳۷۳: ۷) و نیز به علمی که درصدد فهم ماهیت و علل رفتار و اندیشه‌های فرد در موقعیت‌های اجتماعی است (بارون، برن و جانسون، ۱۳۸۹: ۳۳)، تعریف شده است. موضوع «نگرش»^۲ یکی از اساسی‌ترین مفاهیم در این علم به شمار می‌رود. بر این اساس برخی صاحب‌نظران تا آنجا پیش رفته‌اند که موضوع اصلی روان‌شناسی اجتماعی را «نگرش» دانسته‌اند و روان‌شناسی اجتماعی را در حکم «مطالعه علمی نگرش‌ها» می‌دانند (کریمی، ۱۳۷۹: ۴). اصطلاح «نگرش» در روان‌شناسی اجتماعی به گونه‌های مختلف تعریف شده است (جهت مطالعه ۱۵ نمونه از مهم‌ترین تعاریف نگرش: کریمی، ۱۳۷۹: ۶-۷؛ آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۴۰-۱۲۸). در این میان بر اساس یکی از تعاریف، که از مقبولیت بیشتری در میان روان‌شناسان برخوردار است، «نگرش» عبارت است از نظام بادوامی که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و تمایل به عمل است. عنصر شناختی، شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره یک اندیشه یا شیء است. عنصر احساسی یا عاطفی، شامل هیجانات و عاطفه فرد نسبت به موضوع، خصوصاً ارزیابی‌های مثبت و منفی است و تمایل به عمل (مؤلفه رفتاری) به جهت آمادگی برای پاسخ‌گویی به شیوه‌ای خاص اطلاق می‌شود (ترکان و کجباف، ۱۳۸۷: ۵۰؛ کریمی، ۱۳۷۳: ۲۹۵).

«نگرش» می‌تواند متعلقات گوناگونی در

حوزه‌های مختلف اجتماعی داشته باشد. یکی از محوری‌ترین نگرش‌های هر فرد در زندگی که بر ساخت دیگر نگرش‌های او تأثیر بسزایی دارد، نگرش او نسبت به متعلقات و مسائل مربوط به ایمان و به اصطلاح «نگرش ایمانی»^۳ وی می‌باشد. نگرشی که با رویکردی قرآنی و مبتنی بر الگوهای تکوین نگرش‌های افراد در روان‌شناسی، نسبت به ایمان شکل گرفته است.

ما در این پژوهش بر آن هستیم تا با روش تحلیلی و پایبندی به لوازم یک مطالعه میان‌رشته‌ای و تفسیر علمی از قرآن کریم، با استفاده از الگوی احتمال تفسیر که یکی از مهم‌ترین الگوهای شناخته شده در علم روان‌شناسی اجتماعی برای تکوین یا تغییر نگرش‌های انسان‌ها می‌باشد، از طریق مسیر اصلی معرفی شده در این الگو، مفهوم نگرش ایمانی و عوامل مؤثر بر تکوین آن را از خلال آیات الهی مورد بازخوانی قرار دهیم و با استفاده از داده‌های این علم، با رویکرد تفسیر علمی قرآن، این دست عوامل را معرفی نماییم. پیرامون «میان‌رشته‌ای» بودن این پژوهش، لازم به توضیح است که در یک مطالعه میان‌رشته‌ای که در آن دو رشته علمی درگیر باشند، این دو رشته می‌توانند به‌طور موازی در کنار هم قرار گیرند (مطالعات تطبیقی) یا رابطه آنها به صورت طولی و در امتداد هم باشند (مانند پژوهش حاضر). مقصود از قرار گرفتن دو رشته در طول یکدیگر آن است که امری از رشته «الف» نسبت به رشته «ب» جنبه مقدمی داشته باشد. درخصوص علوم‌ی که در رابطه طولی با یکدیگر قرار می‌گیرند، این رابطه گاه روشی و گاه داده‌ای است که

1. Social Psychology
2. Attitude

3. Attitude of Faith

بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارُ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ»؛ «ایمان، با دل شناختن (تصدیق قلبی)، با زبان اقرارکردن و با اعضا عمل کردن است» (نهج البلاغه/ حکمت ۲۲۷).

به این معنا، ایمان در واقع یک عمل قلبی است که تا آن نباشد، ایمان هم شکل نمی‌گیرد. کسی که از روی برهان عقلی یا ضرورت ادیان، به چیزی علم پیدا کرد، باید با قلبش «تسلیم» شود و عمل قلبی (خضوع و زیرباررفتن) را انجام دهد تا مؤمن تلقی گردد (خمینی، ۱۳۸۷: ۳۸).

با توجه به آنچه گذشت، مشابهت‌های فراوانی میان مفهوم «ایمان» در قرآن کریم و «نگرش» در روان‌شناسی اجتماعی به چشم می‌خورد که گاه معرکه آراء محققان و پژوهشگران قرار گرفته است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۴۴-۱۴۰؛ رزاقی، ۱۳۸۷: ۶۰-۵۵؛ کاویانی، ۱۳۷۶: ۴۱).

«ایمان» در اصطلاح «نگرش ایمانی» نه به عنوان مترادفی برای نگرش ذکر گردیده است تا شبهه یکسانی این دو مفهوم به میان آید، بلکه به عنوان قید تخصصی - نه توضیحی - برای مفهوم «نگرش» به کار رفته است و این در جایی است که پژوهشگر، نگرش را یک مفهوم عام با زمینه‌های متنوع گرفته و بر آن است که نگرش در ساحات مختلف زندگی بشر می‌تواند تحقق یابد. با این رویکرد، «نگرش ایمانی» ناظر به نگرشی است که باید نسبت به مسائل و حوزه‌های دخیل در ایمان و متعلقات مربوط به آن دنبال شود و در عرض نگرش‌های دیگر چون نگرش سیاسی، اقتصادی و... قرار می‌گیرد (جهت توضیح بیشتر در خصوص این نوع ترکیب‌سازی: پاکتیچی، در علیخانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۲۶-۳۲۳). با توجه به آنچه در

پژوهش حاضر از جنس نوع اول (رابطه طولی علوم با یکدیگر در حوزه روش‌ها) می‌باشد. در این ارتباط روشی، روش‌های توسعه‌یافته در رشته «الف» - که در این پژوهش علم روان‌شناسی اجتماعی است - به عنوان رشته خادم در اختیار رشته «ب» - که در این پژوهش جنبه قرآنی و تفسیری بحث است - به عنوان رشته مخدوم قرار می‌گیرد تا برای پردازش اطلاعات فراهم آمده در رشته «ب» - تفسیر قرآن» از این روش‌ها استفاده شود. از آنجا که روش‌ها از جنس قالب و شکل است و در این فرایند ارتباطی، محتوای رشته «ب» - تفسیر قرآن» در قالب رشته «الف» - روان‌شناسی اجتماعی» ریخته می‌شود، پاسخی که به عنوان نتیجه به دست می‌آید، از جنس داده‌های رشته «ب» - تفسیر» خواهد بود (پاکتیچی، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

در ادامه پس از ارائه توضیحی کوتاه درباره اصطلاح «نگرش ایمانی» و معرفی «الگوی احتمال تفسیر» و دو مسیر معرفی شده در آن برای ساخت نگرش‌های مخاطبان، آن دسته از عواملی را که قرآن برای ساخت نگرش ایمانی مخاطبان از طریق یکی از این دو مسیر پیشنهاد می‌دهد و قابلیت بازنگاری در ادبیات روان‌شناسی اجتماعی و الگوهای احتمال تفسیر را دارا است، در این قالب بازنگاری می‌نماییم و البته در این خصوص، هویت استقلالی آیات قرآن را حفظ نموده و تنها از منظر روان‌شناسی، آنها را در دسته‌بندی جدید ارائه می‌نماییم تا گرفتار تفسیر به رأی مذموم نگردیم.

۱. نگرش ایمانی

ایمان در ادبیات دینی این‌گونه تعریف شده است: «مَعْرِفَةُ

احتمال می‌رود مردم درباره پیامی اساسی که به آنها عرضه شده است، بیندیشند یا جزئیات آن را برای خود تفسیر نمایند (ترکان و کجیاف، ۱۳۸۷: ۵۲). این نظریه، دو شیوه پردازش اطلاعات را در فرایند قانع‌سازی فرد و تکوین نگرش‌های او معرفی می‌نماید:

مسیر اصلی یا مرکزی^۷: که در آن قانع‌سازی و ساخت نگرش‌های افراد، مبتنی بر باریک‌بینی و مذاقه مجدانه در دلائل پیام و دیگر اطلاعات مرتبط است. بر این اساس، تعمق در موضوعی می‌تواند به شکل‌گیری نگرشی پیرامون آن موضوع منجر گردد. چرا که با تفکر مرتبط با موضوع، ناهمسانی‌های اولیه ممکن است مورد توجه قرار گرفته و اصلاح گردند و همسانی ساختاری طرحواره نگرشی افزایش یابد. از سوی دیگر، با تفکر و تفسیر یک پیام، نگرش و باورهای مرتبط با آن، بارها فعال می‌شوند و بدین ترتیب بیشتر در دسترس قرار می‌گیرند و این خود از عوامل مؤثر در نیرومندسازی یک نگرش به شمار می‌رود. همچنین با تفکر فراوان در یک موضوع، فرد ممکن است احساس کند تلاش ذهنی زیادی به عمل آورده است و در نتیجه به نگرش حاصل شده اطمینان بیشتری داشته باشد (بونر و وانک، ۱۳۹۰: ۱۸۸).

مسیر پیرامونی^۸: که نشان‌دهنده تأثیر نشانه‌های پیرامونی (یعنی جنبه‌های غیرمحتوایی مثل منبع پیام) است و مکانیزم‌های متعددی را شامل می‌شود که به تلاش کمتری نیاز دارند مثل شرطی‌شدن مخاطب، هویت اجتماعی، استفاده از اصول اکتشافی و... (اشتروبه و هیوستون، ۱۳۸۳: ۳۶۶). «اصول اکتشافی»، اصول ساده و کلی در تصمیم‌گیری هستند که در

تعریف نگرش بیان شد، در یک نگاه کلی می‌توان گفت اصطلاح «نگرش ایمانی» به آن دست از نگرش‌ها اطلاق می‌گردد که شناخت‌ها و عواطف و رفتار مخاطبان در حوزه مسائل و متعلقات ایمان رخ داده باشد؛ بدین معنا که فرد نسبت به یکی از متعلقات ایمان (مثلاً ایمان به خدا)، اولاً معرفت لازم و کافی به آن را به دست آورد، ثانیاً نسبت به آن گرایش مثبت پیدا نموده، آن را دوست بدارد و ثالثاً برای انجام رفتار و عملی عبادی و ارزشی نسبت به آن آمادگی داشته باشد. تلفیق این نگاه سه مؤلفه‌ای در حوزه مسائل و متعلقات مربوط به ایمان، «نگرش ایمانی» فرد را ساخت می‌دهد. بدین معنا هر مقدار که نگرش‌های فرد نسبت به متعلقات ایمان، به صورت کامل‌تری شکل گرفته باشد، یعنی شناخت‌ها، عواطف و رفتار فرد نسبت به متعلق ایمان در حد کامل‌تر و وسیع‌تری ایجاد شده باشد، فرد در مراتب ایمان، از حد بالاتری از ایمان قرار خواهد داشت.

۲. الگوی احتمال تفسیر

اکثر پژوهش‌های «قانع‌سازی» در روان‌شناسی از دهه ۱۹۸۰ تا کنون بر اساس این الگو که از سوی پتی^۴ و کاجیوپو^۵ ارائه گردیده است، به وجود آمده‌اند (اشتروبه و هیوستون، ۱۳۸۳: ۳۶۵). این نظریه با عنوان «الگوی احتمال تفسیر^۶» در روان‌شناسی شناخته شده است، زیرا با موقعیت‌هایی سر و کار دارد که تحت آنها،

4. Petty, R. E

5. Cacioppo, J. T

6. The elaboration likelihood model؛ برخی نیز این

اصطلاح را به الگوی احتمال بسط و تفسیر یا الگوی احتمال

روشنگری در فارسی ترجمه نموده‌اند.

7. Central route to persuasion

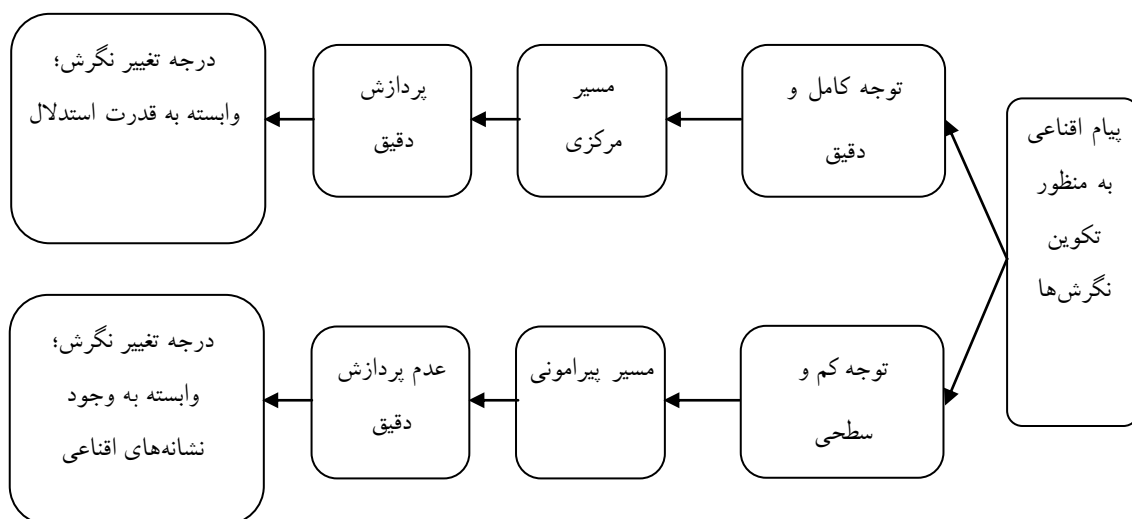
8. Peripheral route to persuasion

پیرامونی شکل می‌گیرند، پایداری بیشتری دارند، در مقابل، استدلال‌های مخالف مقاوم‌تر هستند و بر اساس آنها بهتر می‌توان رفتار را پیش‌بینی کرد. (بونر و وانک، ۱۳۹۰: ۱۸۸). بر این اساس، نگرشی که از مسیر مرکزی ایجاد می‌شود، نیرومندتر از نگرشی است که از مسیر پیرامونی ایجاد می‌گردد. این تفاوت‌های سه‌گانه نشان می‌دهد تغییر نگرشی که از طریق مسیر مرکزی صورت پذیرد، یک تغییر واقعی در شیوه فکرکردن در باب آن موضوع است و از آن پس، از سازماندهی شناختی دیگری استفاده خواهد کرد و برعکس، تغییر نگرشی که از طریق مسیر پیرامونی صورت گرفته، بازتابی است از محرک‌هایی خاص که با رفتن آن محرک‌ها، آن تغییر نیز از بین می‌رود (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۶۸).

بر اساس دو مسیر ارائه شده، مدل کلی این الگو را بدین‌گونه می‌توان تصویر نمود:

قضایات‌ها مورد توجه و استناد قرار می‌گیرند. فرد این اصول را با عقل خود پردازش می‌کند و بر آن اساس عمل می‌نماید. به‌عنوان مثال از میان نمونه‌های بارز این اصول قانع‌سازی می‌توان به تخصص و محبوبیت منبع پیام، یا توافق عمومی در مورد یک نگرش خاص اشاره نمود. به دیگر بیان، اصول اکتشافی، قواعد ساده استنتاج هستند که یک نشانه اکتشافی (مثلاً متخصص بودن منبع پیام) را به یک نتیجه ارزیابانه (مثلاً موافقت) پیوند می‌دهند. پردازش اکتشافی، مستلزم وجود یک نشانه و قابلیت دسترسی به یک اصل اکتشافی است که فرد آن را قابل کاربرد و معتبر تلقی می‌کند (بونر و وانک، ۱۳۹۰: ۱۵۵-۱۵۴).

دو مسیر اصلی و پیرامونی هرچند در اصل هدف با یکدیگر اشتراک دارند، اما تفاوت‌هایی نیز میان آنها وجود دارد. نگرش‌هایی که از طریق مسیر مرکزی حاصل شده باشند، نسبت به نگرش‌هایی که از مسیر



ما در این مقاله، به دلیل حجم انبوه اطلاعات و نیز اهمیت بسیار مسیر اصلی ارائه شده در این الگو، تنها به بررسی عوامل مؤثر بر ساخت نگرش ایمانی مخاطبان قرآن از طریق مسیر اصلی می‌پردازیم و رهیافت قرآنی در موضوع را پیجویی می‌نماییم:

۳. عوامل مؤثر بر تکوین نگرش ایمانی در قرآن با رویکرد الگوی احتمال تفسیر - مسیر اصلی با توجه به توضیحاتی که گذشت، این طریق در قانع‌سازی بر تفکر عقلی در محتوای پیام و استدلال‌های ارائه شده برای آن استوار است. اساس این راهبرد، بر تدبیر، تعقل و تفکر استوار بوده و لزوم و ضرورت تفکر عقلانی را از نگاه قرآن می‌رساند. قرآن از رهگذر این مسیر، عوامل زیر را به عنوان مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری نگرش ایمانی مخاطبان معرفی می‌نماید. عواملی که هر یک، زمینه را برای تفکر و تعقل در محتوای پیام فراهم می‌آورند:

ارائه برهان و استدلال نسبت به متعلقات ایمان یکی از اساسی‌ترین بخش‌ها از محتوای پیام‌های انبیاء، براهین و استدلال‌های ایشان بر صدق دعوت خود در برابر مخاطبان می‌باشد تا ایشان با تفکر و تعقل در محتوای این استدلال‌ها، خود راه صحیح را دریابند.

قرآن کریم افزون بر این که خود را «برهان» و «نور» معرفی کرده (نساء/۱۷۴)، با تعابیر گوناگونی چون «سلطان» (هود/۹۶)، «حجت» (انعام/۱۴۹) و «بینه» (هود/۱۷)، به ارائه براهین و استدلال‌های گوناگون از سوی پیامبران الهی اشاره می‌کند. به عقیده پاره‌ای از مفسران، مراد از «سلطان»، آن برهان و

حجتی است که گفت‌وگوها را پایان داده و بر عقول و افهام مردم تسلط پیدا می‌کند، به گونه‌ای که به هیچ وجه قابل اشکال کردن نباشد، که بر این اساس، شامل حجت‌های عقلیه‌ای می‌شود که بر عقل بشر چیره می‌گردد و عقل را ناگزیر از پذیرفتن مدعای طرف می‌سازد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۸۰/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۹۰/۵؛ طیب، ۱۳۷۸: ۱۱۶/۷). «حجت» نیز سخنی است که با هدف اثبات یا ابطال چیزی ارائه می‌گردد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۵/۱۸) و دلالتی آشکار نسبت به آنچه بر آن احتجاج می‌گردد، دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۱۹/۱).

«بینه»؛ برهان، حجت و نشانه‌ای است که موجب آشکارشدن چیزی گردد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۸۵/۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۲۹/۱۷؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۲۵۹/۱). بر این اساس قرآن کریم استدلال‌های فراوانی را در جای‌جای خود به کار برده است^۹ و علت آنکه از دیگران برهان می‌طلبد^{۱۰} آن است که هم خودش برهان است و هم برهان اقامه می‌کند. آیات قرآن، گذشته از اینکه خود براهین عقلی فراوانی را ارائه نموده است، ادله‌ای را که انبیاء در مقام احتجاج با ملحدان اقامه نموده‌اند، برای امت اسلامی بازگو فرموده و آن‌ها را به تفکر و تعقل در آنها وادار نموده است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۶۰). آیات گوناگونی که به ارائه براهین عقلی پرداخته‌اند، گاه با نام عقل و تعقل و نظایر آن، همراه

۹. برای نمونه: (بقره/۲۵۸)، (آل عمران/۵۹)، (نساء/۸۲)، (مائده/۱۷)، (یونس/۳۴-۳۵)، (اسراء/۴۲)، (کهف/۴۸)، (نحل/۲۱-۲۰) و ...

۱۰. قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ... در آیات: (بقره/۱۱۱)، (انبیاء/۲۴)، (نمل/۶۴) و ...

۱۴۲۰: ۲۸۷/۲۰).

بر این اساس روشن است که استدلال‌های عقلی قرآن در خلال داستان‌ها، تمثیل‌ها، برهان‌ها و... با استفاده از قدرت تعقل و تفکر مخاطبان، مبتنی بر فطرت خداجویانه آنها به تقویت نگرش‌های ایمانی در ایشان پرداخته‌اند، و از آنجا که این براهین زمینه تفکر در اصل محتوای پیام را فراهم می‌آورد، ارائه آنها را می‌بایست در مسیر اصلی به تغییر نگرش‌ها و اقعاع در الگوی احتمال تفسیر قرار داد.

معرفت‌شناسی آیه‌ای

مفهوم «آیه» با وجود اختلاف نظر فراوانی که پیرامون اشتقاق و معنای لغوی آن در زبان عربی (اورعی، ۱۳۸۲: ۴۰۸-۴۰۹/۱) و دیگر خانواده‌های زبان‌های سامی (اندرزی و آذرنوش، ۱۳۸۹: ۶۶-۶۷)، وجود دارد، بیشتر به معنای لغوی «عبرت و نشانه آشکار» (فراهدی، ۱۴۱۰: ۴۴۱/۸؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳۹/۱؛ فیومی، ۱۴۰۵: ۳۲/۲) کاربرد یافته است.

یکی از راهبردهای قرآنی تکوین نگرش ایمانی از طریق مسیر اصلی و مرکزی، دعوت به تفکر در آیات گوناگون آفاقی و انفسی، با هدف تقویت ایمان به خدا (یوسف/۱۰۵)، ایمان به دعوت انبیاء (بقره/۲۱۱)، عبرت آموزی از وقایع و حقائق (یوسف/۷)، انذار (هود/۱۰۳) و... می‌باشد. نشانه‌ها و عبرت‌های ارائه شده در این دست آیات، راهی برای حصول معرفت برای مخاطبان آن است:

«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...»؛ به‌زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در خودشان به آنها نشان می‌دهیم تا

هستند و گاه به نام عقل تصریحی نشده و استدلال و برهان در مفهوم آنها نهفته است (جهت مطالعه نمونه‌ها: جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۶۰-۱۵۷). اگر در سرتاسر قرآن و متون دینی کاوش کنیم، درمی‌یابیم که محور دعوت همه پیامبران، عقل و خردورزی بوده است^{۱۱} (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳۵-۳۴). شهادت عبارات قرآنی چون «أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^{۱۲}، «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^{۱۳} و «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»^{۱۴} و... از یک‌سو و نهی از پیروی ظن و گمان (یونس/۳۶)، تقلید کورکورانه و بی‌دلیل (بقره/۱۷۰) و عمل بدون علم (اسراء/۳۶) از سوی دیگر گویای همین نکته است.

همچنین بسیاری از مفسران «حکمت» در آیه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (نحل/۱۲۵)، را به برهان و استدلال تفسیر نموده‌اند که پیامبر اسلام مأمور به دعوت از این طریق شده است (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۷۱/۱۲؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ۹۷/۵؛ فخر رازی،

۱۱. شبیه این معنا در بسیاری از روایات مورد تأکید قرار گرفته است و هدف از بعثت، تکامل عقل بشر خاطر نشان شده است. به-عنوان نمونه:

قال علی (ع): «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِثْلَاقِ فِطْرَتِهِ ... وَ يُبَيِّرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (نهج البلاغه: ص ۴۳)؛ قال رسول الله (ص): «وَلَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا حَتَّىٰ يَسْتَكْمِلَ الْعَقْلَ وَ يَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ جَمِيعِ عُقُولِ أُمَّتِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۲/۱).

۱۲. بقره/۴۴، بقره/۷۶، آل عمران/۶۵، انعام/۳۲، اعراف/۱۶۹، یونس/۱۶ و...

۱۳. بقره/۷۳، بقره/۲۴۲، انعام/۱۵۱، یوسف/۲، غافر/۶۷ و...

۱۴. رعد/۴، نحل/۱۲، نحل/۶۷، روم/۲۴ و...

برای آنان آشکار گردد که او حق است (فصلت/۵۳).
 بر این اساس در آیات بسیاری، از موضوعاتی چون تاریخ اقوام و ملل و سرنوشت آنها (هود/۱۰۳)، شگفتی‌های خلقت در طبیعت و بدن انسان (بقره/۱۶۴)، آل عمران/۱۹۰، انعام/۹۹-۹۷، ذاریات/۲۱-۲۰، زنده شدن مردگان در دنیا (بقره/۷۲، بقره/۲۵۹، آل عمران/۴۹)، نعمت‌های بی‌شمار او (نحل/۱۳-۵، نحل/۱۸) و... سخن به میان آمده و بر وجود نشانه و عبرت در آنها تصریح شده است، تا با اندیشه و تفکر در این نشانه‌ها، وجدان خفته فرد، بیدار و زمینه برای تغییر نگرش وی فراهم آید. در قرآن بیش از ۳۵۰ آیه مشتمل بر این مفاد به چشم می‌خورد (فعالی، ۱۳۷۹: ۷۶).

اهمیت این مسئله در آموزه‌های خداشناسی تا جایی است که مطالعه و تفکر در آیات و نشانه‌های الهی، به‌عنوان یکی از رایج‌ترین شیوه‌های مورد استفاده از سوی معصومان جهت ایجاد و تقویت ایمان به خدا، معرفی شده است (شکرانی، ۱۳۸۵: ۵۵). آثار خلقت و حکمت پروردگار در همه پدیده‌های جهان نمایان است. پس اگر پدیده‌ای ساکت است، تدبیر به کار رفته در آن، حجتی گویاست (ابن بابویه، ۱۳۵۷: ۵۲) و با خلق خدا، می‌توان به وجود و تأثیرش استدلال نمود (ابن بابویه، ۱۳۵۷: ۴۳۷).

در اینجا لازم به تذکر است که مفهوم «آیه» در این کاربرد معرفت‌شناسی، تنها مختص لفظ واژه «آیه» نبوده و شامل سایر واژگان قرآنی، از جمله «عبرت» (آل عمران/۱۳، نحل/۶۶، نور/۴۴، نازعات/۲۶) و «ذکری» (هود/۱۲۰، ص/۴۳، ق/۸۰ و ۳۷) که معنای نزدیکی به آن دارند نیز می‌گردد. بدین معنا که هر آنچه

در قرآن متعلق عبرت‌آموزی و تذکری برای مخاطبان قرار گرفته است، تا با اندیشه و تفکر در محتوای آن، راه صواب را بیابند، می‌تواند به‌عنوان آیه و نشانه‌ای در این خصوص لحاظ گردد و طریقی برای حصول معرفت در جان مخاطبان تلقی گردد. بر این اساس برخی محققان نیز به تبیین ارتباط مفهومی میان معنا و مدلول واژه «عبرت» با دو واژه دیگر پرداخته‌اند (قائمی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۷-۱۵).

در این میان، اصطلاح «شناخت آیه‌ای» از سوی پاره‌ای از محققان، به‌منظور اثبات وجود خدا با توجه به آیات قرآن، کاربرد یافته و شامل براهین قرآنی مانند برهان نظم و سایر براهین فلسفی می‌گردد (جوادی، ۱۳۷۶: ۲۱۵). معرفت آیه‌ای به معنای عبور معرفت‌شناختی از نشانه به صاحب نشانه می‌باشد و سهم مهم و بسزایی در معارف بشری دارد. شناخت امور حسی و غیر حسی از طریق علائم محسوس آن، مسأله‌ای عادی و روزمره است (فعالی، ۱۳۷۹: ۷۷). اکثر شناخت‌های ما در جهان، شناختی است که نه حسی مستقیم است (یعنی همان شناخت احساسی سطحی) و نه منطقی علمی-تجربی (که خود موضوع، قابل تجربه و آزمایش باشد)؛ بلکه احساس ما به آیه‌های شیء تعلق می‌گیرد ولی ذهن ما همواره از آیات و آثار، مؤثر را در ورای آن می‌بیند (مطهری، بی‌تا: ۴۲۸/۱۳).

در این معنا همه پدیده‌ها و مخلوقات، خدا را نشان می‌دهد و آیت‌بودن، ذاتی و به‌مثابه فصل مقوم هویت موجودات امکانی است به‌گونه‌ای که هر کس به درستی در آن بیندیشد به‌یقین به خدای سبحان پی‌می‌برد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۸/۱۷۳).

بنابراین با توجه به توضیحاتی که گذشت، روشن است که شناخت آیه‌ای، نوعی شناخت تعقلی و کار فکر و عقل است، درست است که آنچه وسیله و آیه قرار گرفته است محسوس و مشهود و از نوع طبیعت است، ولی متد و روش عمل ذهن در عبور و نفوذ به ماوراء محسوس و مشهود، صد در صد فلسفی و تعقلی به شمار می‌آید (همان: ۵۰). شاهد این نکته، بسیاری از آیات قرآنی است که به دنبال معرفی آیات آفاقی و انفسی از تعبیری چون «تَعْقِلُونَ» (بقره/۷۳، روم/۲۴)، «يَتَذَكَّرُونَ» (بقره/۲۲۱، نحل/۱۳)، «يَتَفَكَّرُونَ» (رعد/۳، نحل/۱۱) و «يَسْمَعُونَ» (یونس/۶۷، روم/۲۳)، استفاده نموده است، لذا انتقال از آیه به صاحب آیه تنها به مدد تعقل و تفکر فراهم می‌آید و بر این اساس، می‌بایست معرفت‌شناسی آیه‌ای را در مسیر اصلی به قانع‌سازی ذیل الگوی احتمال تفسیر تحلیل و بررسی نماییم.

در پایان باید توجه داشت که معنایی که برای معرفت آیه‌ای گفته شد، درباره برخی آیات که در آنها به لفظ «آیه»، «ذکری» یا «عبرت» تصریح نشده است، اما محتوای آیات به بیان موضوعاتی در این خصوص اشاره دارد، نیز صادق است و آیاتی از این دست نیز که به بیان نعمت‌ها و شگفتی‌های الهی در انسان و جهان پرداخته‌اند (برای نمونه: بقره/۲۲، اعراف/۵۴، توبه/۷۰، ابراهیم/۳۲ و...) را از این منظر می‌بایست ذیل این راهبرد طبقه‌بندی نماییم.

معجزات انبیاء بر صدق دعوت خود

معجزه همواره به‌عنوان ضرورتی دفاعی در برابر انکارهای مخالفان، برای پیامبران، مطرح بوده است.

این معجزات، در چیستی و سطح متفاوت بوده‌اند؛ چرا که حکمت الهی اقتضا دارد برای مردم هر عصر، معجزه‌ای ظاهر گردد که حجت را بر آنها به‌گونه‌ای رساتر تمام نماید. معجزه در اصطلاح عبارت است از هر امر خارق العاده و فرا بشری، هنگامی که مقرون به تحدی شده و از معارضه مصون می‌ماند؛ که به اراده خداوند (و اذن او) به وسیله انبیاء ارائه می‌گردد تا دلیلی بر صدق رسالت ایشان باشد (معرفت، ۱۴۱۵: ۱۷/۴).

از دیگر عواملی که در ایجاد و ارتقاء نگرش‌های ایمانی مخاطبان مؤثر بوده و مبتنی بر تفکر و تعقل شکل می‌گیرد و از این رو در مسیر اصلی و مرکزی به قانع‌سازی تحلیل می‌گردد، ارائه معجزه از سوی انبیاء بر صدق دعوت خود می‌باشد؛ چرا که معجزه زمینه‌ای برای تفکر ایجاد نموده و از این مسیر بر صدق دعوت گواه می‌دهد. توضیح بیشتر اینکه از آنجا که در معنای واژه «معجزه»، عجز و ناتوانی دیگران از آوردن مثل آن نهفته است و نیز معجزه غیر قابل تعلیم و تعلم است، معجزه و تحلیل عقلی آن می‌تواند دلیلی بر اثبات ادعا و صدق دعوت نبی قرار گیرد. اگر معجزه، نوعی تعلیم و تعلم ذهنی بود و دیگران توان انجام آن را پیدا می‌کردند، با حکمت خداوند منافات پیدا می‌کرد؛ یعنی جز پیامبران، چه بسا به عرصه نبوت تجاوز می‌کردند و آن حریم مقدس را می‌آلودند، و از طرف دیگر، چون اطاعت از آنان لازم بود، هم خود گمراه بودند و هم مردم را گمراه می‌کردند. پیداست که این امر، خلاف حکمت خداوندی است که اقتضا دارد انسان‌ها از گمراهی به سعادت نزدیک شوند. بنابراین، بین صحّت ادعای نبوت و بین معجزه، تلازم

عقلی وجود دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۴۰-۳۷). ایجاد این تلازم از سوی عقل، اثر حسی معجزه را به اثر عقلی می‌رساند؛ آنگاه معجزه برهانی و عقلانی شده و در مسیر اصلی به قانع‌سازی در مسیر تکوین نگرش ایمانی مخاطبان قرار می‌گیرد. به‌طور کلی، آیات قرآن کریم در ارائه و تبیین معجزات انبیاء و به‌دنبال آن تقویت نگرش ایمانی در مخاطبان، در دو محور کلی قابل بررسی و تحلیل می‌باشند.

ارائه گزارشی از معجزات حسی انبیاء سلف

قرآن کریم، معجزات حسی گوناگونی را از پیامبران گذشته در برابر قوم خود گزارش نموده است (بقره/۶۰، آل عمران/۴۹، مائده/۱۱۰، اعراف/۱۰۸-۱۰۷؛ یونس/۷۱؛ هود/۶۴، عنکبوت/۵، و...). معجزه حسی، معجزاتی هستند که با حواس ظاهری انسان درک می‌شود مانند عصای حضرت موسی و... که مردم اعجاز آن را می‌دیدند و با عقل خود به خدایی بودن آن پی می‌بردند (بهشتی، ۱۳۸۳: ۱۸۰). این دست معجزات، با الفاظی چون آیه (اعراف/۷۳ و ۱۰۶)، بینه (هود/۱۷ و ۲۸)، برهان (قصص/۳۲)، سلطان (ذاریات/۳۸)، و شیء مبین (شعراء/۳۰) در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است که این واژگان به تصریح بسیاری از مفسران به معنای معجزه دال بر صدق دعوت انبیاء بیان شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵؛ ۲۲۶؛ طوسی، بی‌تا: ۴۶۰/۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۰/۱۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۷/۳۲۹ و...).

قرآن، معجزه عقلی پیامبر

قرآن کریم، برخلاف معجزات حسی، از نوع معجزه

عقلی یا امتزاجی از معجزه عقلی و حسی (معرفت، ۱۴۱۵: ۱۸/۴) است، چرا که پس از تعقل و تفکر در آن، اعجاز آن روشن می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۶۷).

بسیاری از قرآن‌پژوهان از دیرباز تا کنون به تبیین وجوه گوناگون اعجاز عقلی قرآن اعم از فصاحت و بلاغت بی‌نظیر، معانی عمیق، انسجام محتوا، امی بودن آورنده و... پرداخته و هر یک رهیافتی در موضوع داشته‌اند (باقلانی، ۱۴۲۱: ۳۹-۲۸؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۴۱/۲؛ زرقانی، بی‌تا: ۲۲۸/۲ و...). هرچند در این میان، فصاحت و بلاغت آیات قرآن بیشتر مورد توجه دانشمندان و قرآن‌پژوهان قرار گرفته است و ایشان از جهات عدیده درباره معجزه بودن قرآن به‌لحاظ فصاحت، بلاغت و محسنات لفظی بحث نموده، در این زمینه در دوره‌های تاریخی گوناگون به تحقیق پرداخته و کتاب‌های بسیاری را تصنیف نموده‌اند (معموری، ۱۳۸۶: ۳۷/۶-۳۱)، با این وجود، سایر وجوه اعجاز قرآن از قبیل اخبار علمی، اخبار غیبی، عدم اختلاف در آن و... نیز همواره مورد توجه دانشمندان و محققان قرآنی قرار گرفته است و دامنه‌تحدی را به همه این وجوه گسترانیده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷۳/۱-۶۲). قرآن معجزه جاودان است؛ یعنی اهل هر عصری، وجهی از اعجاز آن را درک می‌کنند و به‌واسطه آن به صداقت رسول پی می‌برند (هیتو، ۱۴۲۱: ۶۶).

بنابراین، با تفصیلات و توضیحاتی که گذشت، باید خاطر نشان نمود که گرچه برخی معجزات حسی و برخی دیگر عقلی نام گرفته‌اند، اما حجت الهی در هیچ‌کدام از آنها بدون یاری عقل بر آدمی تمام نخواهد شد. استفاده از واژگانی که بیشتر در

تقویت ایمان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱۵۶).
از سوی دیگر، دو مقوله «شناخت» و «تفکر»،
ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. محققان ابزار
شناخت را حواس، قوه تفکر و استدلال، تزکیه و تصفیه
نفس و مطالعه آثار علمی دیگران ذکر نموده‌اند و به این
آیه استناد نموده‌اند:

«وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ
شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ» (نحل/۷۸)؛ خدا شما را از شکم مادرانتان
بیرون آورد درحالی‌که چیزی نمی‌دانستید و برای شما
گوش و دیده‌ها و ضمیرها قرار داد، باشد که سپاس این
نعمت‌ها را بدانید و از اینها بهره صحیح ببرید.

در این آیه تصریح شده که انسان در ابتدای تولد
فاقد هرگونه شناخت است و خداوند به انسان حواس
را عنایت کرده است تا جهان را به این وسیله مطالعه و
بررسی کند، و به او ضمیر و قوه تجزیه و تحلیل داده
که در آنچه از راه حواس به دست می‌آورد، در مرحله
بعد تعمق کند، از ظواهر گذشته به درون اشیاء و قوانین
حاکم بر آنها راه یابد. در این آیه حواس (که البته ذکر
«سمع» و «بصر» که مهمترین حواس‌اند به عنوان نمونه
آمده است) ابزار شناختن (به اصطلاح شناخت سطحی
و مرحله اول شناخت) و همچنین ضمیر (فؤاد) نیز ابزار
شناختن و علم‌پیدا کردن (و به اصطلاح مرحله شناخت
منطقی و عمقی با استفاده از قوه تفکر) معرفی شده
است. (مطهری، بی‌تا: ۲۳۳/۲).

بر این اساس از آنجا که تفکر نقشی مهم و
اساسی در شناخت دارد و معرفت صحیح تنها با تفکر
فراهم می‌آید، لذا معرفت صحیح نسبت به یک موضوع
نگرشی را می‌توان در جمله عوامل شکل‌گیری نگرش

موقعیت‌های ارائه استدلال به کار می‌روند و بر حجت و
فهم عقلی دلالت دارند (بینه، برهان، سلطان و...)، برای
اشاره به مفهوم معجزه، خود شاهد دیگری بر این نکته
می‌باشد که آن را در مسیر اصلی به قانع‌سازی در
الگوی احتمال تفسیر قرار می‌دهد.

ایجاد معرفتی صحیح نسبت به برخی متعلقات ایمان
همان‌طور که قبلاً گفته شد، نگرش‌های یک فرد گاه
مبتنی بر شناخت حاصل می‌شود. یعنی ارزشیابی وی
بیش از هر چیز مبتنی بر باورهای او درباره
خصوصیات یک موضوع یا شیء نگرشی «دلایل
شناختی» حاصل می‌شود (ترکان و کجیاف، ۱۳۸۷: ۵۲)
و به پاره‌ای از روان‌شناسان اجتماعی نیز میزان دانش و
معرفت فرد نسبت به موضوع نگرش را از جمله
شاخصه‌های نیرومندی یک نگرش معرفی می‌نمایند و
تصریح می‌کنند که به هر میزان علم و دانش فرد نسبت
به موضوع نگرش به صورت صحیح و دقیق شکل گیرد،
می‌تواند نگرشی با درجه نیرومندی بیشتری را ساخت
دهد و این نگرش‌های نیرومند نه تنها هماهنگی بیشتری
با رفتار دارند، بلکه در برابر تغییر مقاوم‌ترند و در طول
زمان ثبات بیشتری دارند (بونر و وانک، ۱۳۹۰: ۸۸).
بر این اساس، علم روان‌شناسی اجتماعی، فراهم‌آمدن
شناخت صحیح نسبت به یک موضوع را یکی از عوامل
اثرگذار بر شکل‌گیری نگرش نسبت به آن موضوع
معرفی می‌نماید. این معنا از سوی برخی محققان در
مباحث اسلامی مربوط به ایمان نیز مورد توجه قرار
گرفته است که خاطر نشان نموده‌اند تحصیل علم در
زمینه متعلقات ایمان، یعنی علم به خدا، علم به قیامت و
علم به بد و خوب، یکی از ابزارها و راه‌های تکامل و

از طریق مسیر اصلی در الگوی احتمال تفسیر قرار داد. قرآن کریم، با مورد توجه قرار دادن این مسئله، در خلال آیات خود با ارائه اطلاعات معرفتی، به دنبال ایجاد این زمینه تفکری و به دنبال آن ایجاد شناختی صحیح نسبت به پاره‌ای از متعلقات ایمان بوده است تا از این رهگذر، نگرش‌های مثبت یا منفی افراد نسبت به این موضوعات را به شکل صحیح ایجاد یا تقویت نماید.

تذکر و یادکرد، نسبت به مبدأ و معاد (متعلقات ایمان) «ذکر» در لغت، گاه به هیأتی نفسانی اطلاق می‌گردد که شخص به واسطه آن می‌تواند معلومات اکتسابی خود را حفظ کند و در ذهن خویش حاضر سازد و این، مانند حفظ است؛ با این تفاوت که حفظ به اعتبار ذخیره-سازی و نگهداری این معلومات و ذکر به اعتبار استحضار آنهاست، و گاه به حضور شیء در قلب یا قول اطلاق می‌گردد؛ لذا ذکر بر دو قسم است: ذکر قلبی و ذکر زبانی و هر یک از این دو نیز دو قسم است: ذکر بعد از نسیان و ذکر بعد از حفظ و نگهداری (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ذیل ذکر).

با دقت در این عبارات، آشکار می‌گردد که ذکر در معنای نخستین، یادآوری آموخته‌های نظری و عملی بوده و سر و کار آن صرفاً با حافظه است؛ اما ذکر در معنای دوم، گونه‌ای توجه و عنایت قلبی به آموزه‌ها و اشتغال زبانی به اذکاری است که آن هم (بسته به مراتبی که دارد) می‌تواند در دل پرتو افکند و فضای قلب و روح انسان را روشن سازد. غفلت زدایی، کسب بینش و نورانیت قلبی و بیداری معنوی از جمله فوایدی است که از ذکر به این معنا به دست می‌آید (بهشتی، ۱۳۸۰: ۲۶۸). بر این اساس، انسان گرچه فطرتی خدا آشنا

دارد، ولی گاه با مشغول شدن به زندگی مادی و توجه به امور و شئونات گوناگون آن، دچار غفلت و یا نسیان و فراموشی می‌گردد که نیاز به تذکر پیدا می‌کند؛ چنان‌که حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) درباره علت بعث انبیاء می‌فرماید:

«فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَآتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيشَاقَ فِطْرَتِهِ وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ»؛ «خداوند پیامبرانش را در میان انسانها مبعوث ساخت، و پی‌درپی رسولان خود را به سوی آنان فرستاد، تا پیمان فطرت را از آنان مطالبه نمایند و نعمتهای فراموش شده را به یاد آنها آورند» (نهج البلاغه، خطبه ۱: ۴۳).

جایگاه این مسأله در اندیشه اسلامی به نحوی است که گاه تنها وظیفه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم) «تذکر» (غاشیه/۲۱) و نیز تمامی قرآن «تذکره» (انسان/۲۹) معرفی شده است.

در این میان برخی از روایات، ذکر را به لحاظ تأثیری که در روشنائی و صیقل‌دهی و بینش و راهیابی خرد و جان آدمی دارد، معرفی می‌کنند: «الذِّكْرُ نُورُ الْعَقْلِ وَ حَيَاةِ النَّفْسِ وَ جَلَاءُ الصُّدُورِ»؛ ذکر، نور عقل و حیات نفوس و صیقل‌دهنده است (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۶۳۴)؛ و نیز در روایت دیگری می‌خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءً لِلْقُلُوبِ تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرِ وَ تُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعُشْوَةِ وَ تَقَادُّ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانَدَةِ»؛ «همانا خدای سبحان، ذکر را صیقل‌دهنده قرار داده، به وسیله آن قلبها می‌بینند بعد از آنکه نمی‌دیدند و می‌شنوند بعد از آنکه نمی‌شنیدند و اطاعت می‌کنند بعد از آنکه دشمنی می‌ورزیدند.» (نهج البلاغه، کلام/۲۲۲: ۳۴۲).

در این روایت به دو فایده ذکر اشاره شده است:

شنیدن آنها به یاد گوینده آنها - خدای متعال - می‌افتد، موجب تقویت ایمان وی به خداوند می‌گردد؛ چرا که به طور طبیعی، توجه به کلام هر گوینده‌ای سبب توجه به خود آن گوینده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱۶۵):

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا»؛ مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر گاه نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمانشان فزون‌تر می‌گردد (انفال/۲).

بر این اساس، ذکر به‌عنوان یکی از راهبردها و عوامل تکوین نگرش ایمانی در ادبیات قرآنی مورد تأکید قرار گرفته است. به شهادت آیات قرآن، تذکر و یاد خدا در باب توحید، زمینه فلاح و رستگاری مؤمن را فراهم می‌آورد (جمعه/۱۰)، او را مورد یاد خدا قرار می‌دهد (بقره/۱۵۲)، موجبات آرامش دل و خاطر انسان را فراهم می‌نماید (رعد/۲۸)، او را از مکر شیطان ایمن می‌گرداند (اعراف/۲۰۱)، به مغفرت و اجر عظیمی دست می‌یابد (احزاب/۲۵)، موجبات خشیت و ازدیاد ایمان برای ایشان می‌شود (انفال/۲) و... و از سوی دیگر، غفلت از یاد خدا، موجب خودفراموشی (حشر/۱۹)، سختی در زندگی دنیا و آخرت (طه/۱۲۴) و همراهی با شیطان (زخرف/۳۶) می‌گردد.

این یادکرد از خداوند در نگاه قرآن از توحید به یاد معاد پیوند می‌خورد. در جهان‌بینی قرآن، انسان هر روز به معاد که همان عود و رجوع به طرف مبدأ است، نزدیک می‌شود. در این جهان‌بینی، معاد از مبدأ بریده نیست، گرچه در نگاه نخست مبدأ و معاد در دو قوس قرار گرفته و از معاد با عنوان «جهان پس از مرگ» یاد می‌کنیم، لیکن با نگرشی ژرف درمی‌یابیم هر دو قوس،

شفافیت‌بخشی و صیقل‌دهی از یک طرف، که جنبه سلبی دارد و بینایی و شنوایی از طرف دیگر، که دارای جنبه اثباتی است (بهشتی، ۱۳۸۰: ۲۷۳). در مجموع روایاتی از این دست، ذکر از جهت خاصیتی که در صیقل و جلابخشی به قلب ایفا می‌نماید، بر فرایند تفکر اثرگذار بوده و تأثیر آن بر ارتقاء نگرش‌های ایمانی نسبت به مبدأ و معاد از مسیر مرکزی به قانع‌سازی در الگوی احتمال تأثیر مورد توجه و تحلیل قرار می‌گیرد، چرا که چنانچه گذشت، ضمیر آدمی که در قرآن با تعبیری چون فؤاد و قلب بدان اشاره رفته است، ابزار شناختن و علم‌پیدا کردن (و به اصطلاح مرحله شناخت منطقی و عمقی با استفاده از قوه تفکر) معرفی شده است. (مطهری، بی‌تا: ۲۳۳/۲).

این مسئله در روان‌شناسی اجتماعی بسیار مورد توجه قرار گرفته است و به عقیده روان‌شناسان اجتماعی، تذکر نسبت به یک موضوع در ذهن، موجب می‌گردد نگرش و باورهای مرتبط با آن بارها فعال شوند و بدین ترتیب بیشتر در دسترس قرار گیرند و این خود از عوامل مؤثر در نیرومندسازی یک نگرش به شمار می‌آید (بونر و وانک، ۱۳۹۰: ۱۸۸). همچنین هنگامی که نسبت اطلاعاتی که به‌طور مستمر در دسترس هستند، در قیاس با اطلاعاتی که فرد به‌طور موقتی به آنها دسترسی دارد، بیشتر باشد، وی نگرش پایدارتری، نسبت به موضوع اطلاعات مستمر خواهد داشت (همان: ۱۴۵).

قرآن کریم عامل «ذکر» را بسیار مورد توجه قرار داده و تذکر و یادکرد از مبدأ و معاد را از عوامل مؤثر بر تکوین نگرش ایمانی مخاطبان ذکر می‌کند. علاوه بر این، تلاوت سوره‌ها و آیات قرآن که انسان با

به یک نقطه می‌رسد؛ آن‌سان که از یک نقطه آغاز شده و هر دو، جلوه یک حقیقت است: «هو الأوّل و الآخر و الظاهر و الباطن» (حدید/۳)؛ بنابراین، یاد خدا (مبدأ) یاد معاد است و هر لحظه انسان به جانب او می‌رود: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶) (جوادی آملی، معاد در قرآن: ۲۱/۴).

توجیه شناختی نسبت به آثار و پیامدهای ایمان و کفرگروی

یکی از ویژگی‌های مشترک میان همه انبیاء، تبشیر و انذار معرفتی نسبت به آثار و پیامدهای ایمان و کفرگروی است (نساء/۱۶۵-۱۶۴). انبیاء، هم به فضیلت هدایت می‌کنند و بشارت می‌دهند، و هم از ردیلت باز می‌دارند و انذار می‌کنند. پیامبر اسلام نیز با رسالت تبشیر و انذار مبعوث شده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (احزاب/۴۵؛ اسراء/۱۰۵؛ فرقان/۵۶؛ فاطر/۲۴؛ سبأ/۲۸ و...).

توجه دادن مخاطبان به آثار پذیرش ایمان از یک سو و پیامدهای کفرگروی از سوی دیگر، سهم قابل توجهی از محتوای ارائه شده از سوی انبیاء و نیز آیات قرآن را به خود اختصاص داده است، تا از این رهگذر (خوف عقاب و امید ثواب)، مخاطبان را وادار به نظر و تأمل در کار نموده، همان تفکر و تأمل منجر به پذیرش ایمان از سوی ایشان گردد (تقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۳۵۲/۲؛ داورپناه، ۱۳۷۵: ۴۳/۱۳). برخی مفسران، این دست آیات را موجب انبعاث عقل و زمینه‌ساز تفکر و تعقل در آثار و عواقب ارائه شده در آیات دانسته‌اند تا آدمی خود راه ایمان و هدایت را برگزیند (برای نمونه: طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۸۷/۱۵).

نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۱۰۴/۱۲).

بنابراین تفکر و تعقل در رهنمون شدن این آیات به هدایت و ایمان و بهره‌مندی از بشارت و انذار، نقش بسزایی ایفا می‌نماید، تا جایی که برخی مفسران انذار بدون تفکر را بیهوده و بی‌فایده می‌دانند (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۴۰۴/۵) و در ادبیات تفسیر روایی، از قول راویان شیعه (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۹۷/۱۱) و سنی (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۶۹/۵)، مراد از «حی» در آیه «لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا...» (یس/۷۰) که مفعول انذار واقع شده‌اند، کسانی دانسته شده‌است که توان استفاده از قوه عقل خود را دارند. برخی نیز با توجه به آیه «أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ» (اعراف/۱۸۴)، بهره‌مندی از جنبه انذار رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را از رهگذر تدبیر و تفکر در محتوای رسالت ایشان ممکن می‌دانند (دروازه: ۵۴۴/۲).

با توجه به نقش قابل توجه تفکر در این آیات، زمانی که فرایند قانع‌سازی نسبت به انجام یا ترک یک عمل در فرد با نظر و اندیشه در عواقب عمل، رخ می‌دهد، این قانع‌سازی از طریق مسیر مرکزی اتفاق افتاده است، چرا که این انذار و تبشیر با دخالت عقل و تفکر، مؤثر واقع می‌شود.

بر این اساس آیات بسیاری با بیان فوائد ایمان، به دنبال تشویق مؤمنان به سوی آن و شکل‌دهی نگرش ایمانی در ایشان از این رهگذر بوده‌اند. در این آیات به فوائد و آثاری چون سرمایه رستگاری (اعراف/۱۵۷، توبه/۸۸، مؤمنون/۱)، استواری و آرامش روحی (بقره/۲۷۷، ابراهیم/۲۷، فتح/۴)، تعادل روحی (زمر/۲۹)، امنیت و ایمنی (مائده/۶۹، انعام/۸۲)،

ویران و خالی‌شان دلالت می‌کند برای هر صاحب عقل و بصیرتی که بخواهد عبرت بگیرد کافی است (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۸۷/۱۵). در این میان پاره‌ای از آیات حال واقعی انسان‌های بی‌ایمان را به تصویر می‌کشد (آل عمران/۱۱۶، طه/۱۲۴، زخرف/۳۶).

در میان روان‌شناسان اجتماعی نیز مسأله انذار در قانع‌سازی مخاطبان نقش و جایگاه ویژه‌ای دارد. بر این اساس، یکی از ملاحظات اساسی در بررسی محتوای یک پیام متقاعد کننده، مؤثر بودن ترغیب‌های ترس‌برانگیز می‌باشد. برخی محققان معتقدند که در هر موقعیت ترغیب‌کننده ترس‌برانگیز سه عامل مهم وجود دارد، که عبارتند از: میزان ناخوشایند بودن رویداد توصیف شده، احتمال اینکه رویداد ذکر شده در صورت به کار نبستن اوامر یا پیشنهادات ارائه شده واقعا روی دهد و میزان مؤثر بودن عمل پیشنهاد شده (کریمی، ۱۳۸۹: ۷۸). به هر میزان که با دریافت یک پیام، ارزیابی مخاطبان از این سه عامل بیشتر و دقیق‌تر رخ نماید، اثرگذاری پیام بیشتر خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

نگرش، یکی از اساسی‌ترین مفاهیم در علم روان‌شناسی اجتماعی به شمار می‌رود؛ که این علم الگوهای گوناگونی را برای تکوین و تغییر نگرش‌های افراد جامعه پیشنهاد می‌دهد. در این میان یکی از محوری‌ترین نگرش‌های هر فرد در زندگی که بر ساخت دیگر نگرش‌های او تأثیر بسزایی دارد، نگرش او نسبت به متعلقات و مسائل مربوط به ایمان و به اصطلاح «نگرش ایمانی» وی می‌باشد. نگرشی که با رویکردی دینی و مبتنی بر الگوهای تکوین نگرش‌های

اعراف/۱۵۶)، ولایت و پشتیبانی الهی (انبیاء/۸۸، حج/۳۸، روم/۴۷)، برکات دنیایی و آسمانی (آل عمران/۵۷، اعراف/۹۶، مائده/۶۶)، روشن‌بینی (انفال/۲۹، تغابن/۱۱، اعراف/۲۰۳)، عزت و بزرگی (منافقون/۸)، محبوبیت (مریم/۹۶) و آمرزش و مغفرت الهی (مائده/۹، اعراف/۱۵۳، انفال/۴) و... اشاره شده است.

البته فراوانی انذار و بیان عواقب گناهکاران و انسان‌های بی‌ایمان در برنامه‌های پیامبران، بیشتر از تشریح و بیان فوائد و آثار ایمان بوده و این نشان از اهمیت و جایگاه انذار در مقایسه با تشریح در ادبیات قرآنی است. بر اساس دیدگاه برخی قرآن‌پژوهان هسته مرکزی تبلیغ و هدایت، انذار است و از این رو در برخی آیات قرآن کریم رسالت پیامبر تنها انذار معرفی شده است (فاطر/۲۳؛ انعام/۱۹) و در تبیین اساس هدایت پیامبران، تنها سخن از انذار رفته است (انعام/۱۳۰) و هدف از «نفر» فرهنگی فقیهان نیز انذار انسان‌ها معرفی شده است (توبه/۱۲۲) (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۷۰).

بر این اساس، بسیاری از آیات قرآن به بیان و شمارش اوصاف ترسناک و دهشت‌آور مختص به روز قیامت که از شنیدنش دل‌ها به تپش درآمده و عقل‌ها زایل می‌گردد، می‌پردازد تا مخاطبان، با تفکر در آن انذار شده و از گناه دست بردارند و از سوی دیگر عاقبت کفر و عناد را در همین دنیا بیان می‌کند و ایشان را به سیر در زمین و مشاهده آثار مجرمان دعوت می‌کند: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (نمل/۶۹)؛ چرا که نظر و تفکر در عاقبت امر ایشان، آن‌طور که خانه‌های خرابشان و آبادی‌های

- افراد در روان‌شناسی، نسبت به ایمان شکل گرفته است.
- یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین الگوهای تکوین نگرش در روان‌شناسی اجتماعی، الگوی احتمال تفسیر است که از رهگذر دو مسیر اصلی و پیرامونی، راهبردها و عواملی را برای تکوین نگرش در مخاطبان معرفی می‌نماید. این پژوهش، با محور قرار دادن این الگو از یک سو و آیات انسان‌ساز قرآن از سوی دیگر، مفهوم نگرش ایمانی و عوامل مؤثر بر تکوین آن را از خلال آیات قرآن کریم مورد بازخوانی قرار داده و این عوامل را در قالب مسیر اصلی ارائه شده در این الگو معرفی می‌نماید. بر اساس این مسیر، در رهیافتی قرآنی به این موضوع، عواملی چون ارائه برهان و استدلال نسبت به متعلقات ایمان، معرفت‌شناسی آیه‌ای، معجزات انبیاء بر صدق دعوت خود، ایجاد معرفتی صحیح نسبت به برخی متعلقات ایمان، تذکر و یادکرد نسبت به مبدأ و معاد (متعلقات ایمان) و توجیه شناختی نسبت به آثار و پیامدهای ایمان و کفرگروی، از جمله مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر تکوین نگرش ایمانی مخاطبان به شمار می‌آیند.
- منابع
- قرآن کریم
- نهج البلاغه، صبحی صالح (بی تا). قم: انتشارات دار الهجره.
- آذربایجانی و همکاران (۱۳۸۲ش). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۶۶ش). غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن بابویه (۱۳۵۷ش). التوحید، قم: جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
- اشتروبه، ولفگانگ و هیوستون، میلز (۱۳۸۳ش). مقدمه‌ای بر روان‌شناسی اجتماعی از منظر اروپائیان، ترجمه جواد اژه‌ای و همکاران، تهران: نشر سمیاد.
- اورعی، مرتضی (۱۳۸۲ش). دائره المعارف قرآن کریم (مدخل ایمان)، قم: بوستان کتاب.
- بارون، رابرت؛ برن، دونا و جانسون، بلرتی (۱۳۸۹ش). روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی تحصیلی، تهران: نشر کتاب آمه.
- باقلانی، ابوبکر محمد بن طیب (۱۴۲۱ق). اعجاز القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بونر، جرد و وانک، وانک (۱۳۹۰ش). نگرش و تغییر نگرش، ترجمه جواد طهوریان، تهران: انتشارات رشد.
- بهشتی، احمد (۱۳۸۳ش). فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۶.
- بهشتی، سعید (۱۳۸۰ش). آئین خردورزی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۷ش). فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۱.
- _____ (۱۳۸۸ش). «بی‌جویی مؤلفه‌های عدالت سیاسی در نصوص اسلامی»، درآمدی بر نظریه سیاسی عدالت در اسلام، علیخانی، علی‌اکبر و همکاران، تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی با همکاری مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق.

- ترکان، هاجرد؛ کجیاف، محمدباقر (۱۳۸۷ش). «نگرش چیست؟»، فصلنامه توسعه علوم رفتاری، سال اول، شماره اول.
- زقانی، هادی (۱۳۸۷ش). نگرش و ایمان در تربیت دینی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق). تفسیر روان جاوید، تهران: انتشارات برهان.
- رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱ش). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت: کتاب مبین.
- جواد، محسن (۱۳۷۶ش). نظریه ایمان در عرصه قرآن و کلام، قم: نشر معارف.
- زرکانی، محمدعبدالعظیم (بی تا). مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی جا: دارالاحیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ش). تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ وحی و نبوت در قرآن، قم: نشر اسراء.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتاب العربی.
- سیوطی، جلال الدینذ (۱۴۲۱ق). الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتاب العربی.
- قرآن کریم؛ هدایت در قرآن، قم: نشر اسراء.
- شکرانی، یاسین (۱۳۸۵ش). مؤلفه‌های محتوایی- روشی آموزه‌های خداشناسی در تعالیم معصومین؛ با تکیه بر روایات صادقین، تهران: دانشگاه امام صادق.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا). بیروت: تفسیر روح البیان، دار الفکر.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
- فخرالدین رازی (۱۴۲۰ق). ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث
- حسین بن احمد (۱۳۶۳ش). تفسیر اثنا عشری، تهران: انتشارات میقات.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا). بیروت: تفسیر روح البیان، دار الفکر.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸ش). چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- داورپناه، ابوالفضل (۱۳۷۵ش). انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات صدر.
- دروزه، محمدعزت (۱۳۸۳ق). التفسیر الحدیث، قاهره: دار الاحیاء الکتب العربیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.

- العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*، قم: انتشارات هجرت.
- فعالی، محمدتقی (۱۳۷۹ش). *نگاه قرآن به عقلانیت دین، فصلنامه صحیفه مبین*.
- الفیومی (۱۴۰۵ق). *المصباح المنیر*، قم: مؤسسه دارالهجره.
- قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۴ش). *روش عبرت‌دهی در قرآن، فصلنامه تربیت اسلامی*.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- کویانی، محمد (۱۳۷۶ش). *آثار روانی-اجتماعی خداپاوری، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*، شماره ۱۳.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۳ش). *روان‌شناسی اجتماعی؛ نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها*، تهران: انتشارات بعثت.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۹ش). *نگرش و تغییر نگرش*، تهران: انتشارات رشد.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲ش). *آئین پرواز*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (بی‌تا). *مجموعه آثار*، قم: انتشارات صدرا.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵ق). *التمهید فی علوم القرآن*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- معموری، علی (۱۳۸۶ش). *دائرة المعارف قرآن کریم (مدخل بلاغت قرآن)*، قم: بوستان کتاب.
- موسوی، نرجس (۱۳۸۹). «مفاهیم آیه در دوره پیش از اسلام: تبارشناسی و معناشناسی»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۱۷.
- نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۹۸ق). *تفسیر آسان*، تهران: انتشارات اسلامی.
- هیتو، محمدحسن (۱۴۲۱ق). *المعجزه القرآنیة الاعجاز العلمی و الغیبی*، بیروت: مؤسسه الرساله.